

بازرگان و پرسشی تاریخی

احمد زیدآبادی

زنده‌یاد مهندس مهدی بازرگان از معدود رجال سیاسی معاصر ایران است که اندیشه و عملکردش در بستر زمان سایه گسترده و با گذشت حدود سی سال از وفاتش، همچنان فکر و عمل او محل بحث و گفت‌وگوی محافل دانشگاهی و روشنفکری و سیاسی کشور است. مهندس بازرگان در کنار بسیاری از ویژگی‌های برجسته انسانی، در بیان آرا و افکار خود، چهره‌ای صریح و جسور و بود و شرایط محیطی، او را از ابراز نظرات ناسازگار با فضای مرسوم باز نمی‌داشت. این صراحت و جسارت اما او را از هاله ابهامات معمول در پیرامون شخصیت‌های سیاسی و فکری خارج نکرده و هنوز هم درباره خطامشی سیاسی مرحوم بازرگان در مقابل سلطنت پهلوی بحث و گفت‌وگوهای مختلفی در جریان است. پس از استعفای مهندس بازرگان از نخست‌وزیری و پایان کار دولت موقت که قرعه حذف به نام «نیروهای لیبرال» افتاد و لیبرال بودن به صورت ناسزا در آمد، انقلابی‌های پرشور بنا به اقتضای فضای رادیکال حاکم بر جامعه، در تبلیغات روزمره خود بازرگان را به عنوان فردی سازشکار و غیرانقلابی معرفی می‌کردند که در مبارزه خود با رژیم شاهنشاهی نه فقط در پی سرنگونی آن نبوده بلکه به‌طور دائم از ضرورت اجرای قانون اساسی مشروطیت سخن می‌گفته و خواهان سلطنت کردنِ محمدرضا شاه به جای حکومت کردن او بوده است. در مقابل این نوع تبلیغات، حامیان مهندس بازرگان او را از اصیل‌ترین چهره‌های سازش‌ناپذیر و انقلابی معرفی می‌کردند که نه تنها مماشات و نرمشی در برابر سلطنت پهلوی نداشته بلکه علاوه بر گذراندن سال‌های پر بار عمرش در پشت میله‌های زندان، برای نخستین بار جواز حرکت چریکی و مسلحانه علیه نظام سلطنت را او صادر کرده است. با گذشت ایام و فروکش کردن امواج رادیکالیسم عمومی و گرایش جامعه به میانه‌روی و اصلاح، داستان فوق به خصوص در دهه هفتاد و هشتاد خورشیدی صورت معکوس به خود گرفت. در آن سال‌ها، این حامیان مهندس بازرگان بودند که رگه‌های نرمش سیاسی او در برابر نظام شاهنشاهی را برجسته می‌کردند و در عوض، مخالفانش بر جنبه‌های رادیکال و انقلابی فکر و عمل او انگشت می‌گذاشتند. این داستان منحصر به مهندس بازرگان نیست. ظاهراً عادت ایرانیان است که چهره‌های مشهور و اثرگذار را بر مبنای

اقتضائات روز بازتعریف کنند و به دفاع از آنان یا حمله علیه‌شان برخیزند.

این عادت سیاسی، اهل نظر را از کنکاش انتقادی منصفانه در راه و رسم و فکر و اندیشه بزرگان و پیشینیان باز می‌دارد و آنان را در چرخه و حصارِ «مرده باد و زنده باد» محبوس و محصور می‌کند. ای کاش بزرگان زنده بود تا از خودش بپرسیم که مبارزه او علیه رژیم پهلوی از چه جنس و معطوف به کدام هدف بوده است؟ آیا دل در گروی مرمت و بازسازی و اصلاح آن نظام داشته یا اینکه جز به فروپاشی و سرنگونی و اسقاط آن نمی‌اندیشیده است؟ با آنکه شادروان بزرگان جزو خردمندترین مبارزان دوران پهلوی به شمار می‌رود، اما نسبت به میزان اقناع‌کنندگی پاسخ او به پرسش فوق، نمی‌توان چندان مطمئن بود. قاعدتا افرادی مایلند بنا به ادبیات سیاسی فضای موجود، پاسخی در دهان مرحوم بزرگان بگذارند و از قول او بگویند؛ تا آن هنگام که نظام سلطنتی را «اصلاح‌پذیر» می‌دانست در جهت مرمت آن حرکت کرد و زمانی که آن را «اصلاح‌ناپذیر» یافت، موافق براندازی آن شد.

بعید می‌دانم مهندس بزرگان چنین پاسخی می‌داد، چراکه این نوع پاسخ‌های «ذات‌گرایانه» نه فقط تبیین و توضیحی عقلی از ماجرا به دست نمی‌دهد، بلکه با روند تاریخی تغییر و تحول در حکومت پهلوی نیز همخوانی و سنخیت ندارد. شاید نوعی گستاخی باشد اگر گفته شود که پیشینیان ما به خصوص در دو دهه چهل و پنجاه خورشیدی چندان خود را درگیر جزییات موشکافانه مورد نیاز يك تحلیل سیاسی سیال و روزآمد نمی‌کردند و عمدتاً از گزاره‌های ایدئولوژیک یا ارزش‌ها و رهنمودهای کلان اخلاقی و دینی به عنوان هدایتگر فکر و عمل سیاسی خود سود می‌جستند. به همین دلیل هم به نظر می‌آید که طرح بسیاری از پرسش‌های ضروری را یا مخل نوع کار خود می‌دیدند و ذهن‌شان را درگیر آن نمی‌کردند یا اصولاً آن پرسش‌ها به ذهن‌شان خطور نمی‌کرد یا اینکه فضای هیجانی غالب بر فرهنگ مبارزه، مانع از درگیر شدن اذهان اهل اندیشه به مسائل بنیادی از طریق طرد و نفی و تمسخر آنان می‌شد.

با این حساب به نظر می‌آید مهندس بزرگان با آنکه در مورد شمار فراوانی از مسائل مبتلابه جامعه فکر می‌کرده و کتاب می‌نوشته، اما در مورد ماهیت مبارزه‌ای که خود درگیر آن بوده به اندازه کافی ژرف‌اندیشی نداشته و به همین جهت نیز ظاهراً بین دو پدیده اصلاح و انقلاب در نوسان و نسبت به کارآمدی و پیامدهای هر يك مشکوک و مردد بوده است. در واقع، همین نکته نیز زندگی و حیات بزرگان را قدری تراژیک می‌کند. او از رجال برآمده از فرهنگ سیاسی مشروطیت با مزاجی لیبرال و علاقه‌مند به بهبود گام به گام اوضاع بود، اما در عمل درگیر انقلاب و نخست‌وزیر دوران گذار يك نظام انقلابی شد و

بلافاصله پس از آن نیز تحت فشار و انزوای شرایط برآمده از آن،
قرار گرفت.
روحش قرین رحمت پروردگار باد.

منبع: روزنامه اعتماد 4 بهمن 1400 خورشیدی